

مشکل نوسان

و تغییر دائم نرخ محصولات کشاورزی

در یکماهه‌ای که گذشت مشکل گرانی عجیب قیمت پیاز و سیب زمینی بنحوی خود شاهد آن هستیم بخصوص از آنجهت که اینبار لبه تیز تیغ و این تهدید متوجه طبقات مصرف کننده شهری بود و چون معمولاً تمایلات این طبقه اهمیتی بیشتر دارد و در اتخاذ سیاست ، منطقاً دولت نمیتواند نسبت بآن بی تفاوت بماند مهمترین بحث روز را تشکیل میداد بحثی که حتی به مطبوعات و مجلس نیز کشیده شد .

در مجله تهران مصور شماره ۱۲۲۱ بحثی بود بنام ارزانی و گرانی و چنین اظهار نظر شده بود که مسأله ارزانی و گرانی نسبت به محیط اجتماعی و اقتصادی متفاوت و در موارد مختلف تغییر کیفیت پیدا میکند و بتعداد موارد و ظروف و شرایط موجود در عالم اختلاف شکل ارزانی و گرانی وجود دارد. درجائی که دخل و سرمایه بر اساس عادلانه بمعنی واقعی عدالت در میان افراد توزیع میشود نسبت گرانی یا ارزانی در زندگانی افراد میتواند صورت و کیفیت متناسبی داشته باشد ولی در آنجا که میان طبقات مختلف مردم از حیث دخل و سرمایه فاصله متغیر و عمیق روز افزونی وجود داشته باشد کیفیت نرخها و ارزش بهای زندگانی به اعتبار میزان سرمایه و مقدار دخل اشکال مختلفی پیدا میکند . محور نظر در اینجا تفاوت درآمد جهت گروههای با درآمد مختلف و اثر متفاوتی است که گرانی و ارزانی بر عواید گروهها میگذارد و بعبارت دیگر بین تفاوت نرخها و تفاوت بین درآمدها و عواید بایستی تفاوت قائل بود . برای طبقات مرفه تفاوت نرخها بی تفاوتست در حالیکه گروههای با درآمد سرانه متوسط یا کمتر از حد متوسط شکیبائی تحمل چنین تفاوتی را ندارند و این یک تحلیل منطقی از تأثیر کیفی نرخها است که در تعیین نرخها و راه جوئیهای آن برای حل مشکل نوسان نرخها اهمیت دارد .

در عامل نرخ اثر پدیده عرضه و تقاضا موجبات تثبیت یا تغییر نرخها را فراهم خواهد کرد . عرضه معمولاً انعکاسی از حدود تلاش و فعالیت طبقه

تولید کننده بمنظور تولید و تقاضا مشخص نیازهای مصرفی عوامل مصرف در بازار خرید میباید و موزونی عامل عرضه و تقاضا از شرایط تثبیت قیمتها و مشخص نظام تولید است. هفته پیش در صفحه گفتگویی با خوانندگان و در دل مردم در روزنامه «اطلاعات» بحثی بود که بتشریح مطلب کمک میکند:

پسر - بابا میدانید چرا قیمت پیاز و سیب زمینی امسال اینقدر گران شده؟

پدر - امسال نوبت گرانی است چون پیاز و سیب زمینی کم کاشته اند و جنس در بازار نیست.

پسر - پس چرا پارسال اینقدر زیاد و ارزان بود؟

پدر - چون پیاز و سیب زمینی زیاد کشت شده بود و جنس زیاد بود!

نتیجه: سال بعد دوباره پیاز و سیب زمینی زیاد میکارد و نوبت وفور و ارزانی جنس است.

آزاد گذاشتن کشت هر نوع محصول بهر نسبت که زارع بخواهد و وقتی کاشت محصول و تولید طبق برنامه معینی در چهارچوب احتیاجات مصرفی نبود تولید بیش از مصرف و بالعکس اکثراً بنوعی بی نظمی و هرج و مرج منجر میگردد. نظیر فراوانی پیاز و سیب زمینی در سال پیش و کمیابی و گرانی آن در امسال، مصیبت و زیانی که از تورم هندوانه و خربزه در یکی دوسال اخیر عاید طبقه صیفی کار شده است. عدم رغبتی که امسال برای خرید چندرفند بود. تنزل قیمت گندم و تفاوت فاحش نرخ آن در دوسال اخیر. تنزل قیمت پسته. تغییر و نوسان نرخ پنبه اگر بی نظمیهای تولید و عواقب آنرا بررسی کنیم می بینم که اقتصاد و تولیدات کشاورزی ایران بخصوص در اینمرحله از تکامل بیش از هر موقع به نظام مؤثر و صحیحی محتاجست. پیش از امر اصلاحات ارضی نفوذ مالکان بزرگ همواره دولتها را به جانبداری از آنان در نظام تولیدی کشاورزی و در تعیین نرخها میکرد برای کاشت صیفی محدودیتهائی وجود داشت. زارع اختیار زراعت نباتات ریشه دارا نداشت و در تولید محصول ناچار بود طبق نظر مالک رفتار کند. ولی باالفای رژیم ارباب ورعیتی و با از بین رفتن مالکینهای عمده زارعین هر نوع محصولی را بخواهند میکاردند بدون اینکه برای تولید اساسی ترین محصولات مصرفی برنامه و نقشه ای وجود داشته باشد. این مسأله که يك زارع حق دارد چه مقدار از اراضی تحت کاشت خود را از زراعت پنبه خارج و خربزه و هندوانه بکارد و بهبارت دیگر تا چه حد جامعه میتواند در مصرف محصولات تجملی طبق میل

و هوسهای مصرف کننده بضرر محصولات اصلی کشور تحمل خسارت کندشناختن این حد و ایجاد مقرراتی برای تولید و مصرف ، تشخیص درجه آزادی تولید و مصرف مجموعه آنچیزی است که برای پیشرفت کشاورزی و تحول آن ضرورت دارد .

اصل عرضه و تقاضا مقدمه‌ای است برای فراهم آوردن نسبتها و ترکیبهایی که پدیده نرخ و نرخ بندی را بوجود میآورد . باین مفهوم که موزونی عرضه و تقاضا باعث تثبیت نرخها میگردد و بین عامل عرضه و تقاضا و پدیده نرخ و نرخ بندی باصطلاح Price and Pricing یکرديف ارتباطات عمل و عکس العملی وجود دارد .

عامل نرخ و نرخ بندی چون عامل خاصی میتواند روابط کیفی و کمی تولید و مصرف را تغییر دهد و دردگر گونی سیر طبیعی عرضه و تقاضا مؤثر افتد . گاه افزایش نرخ و گاه تنزل قیمتها ، گاه احتیاج بمصرف محصول معینی و گاه مشکلاتی که برای صادرات يك محصول وجود دارد نقش مؤثر در امر تولید دارد . عرضه و تقاضا همپای نرخ و نرخگذاری در صورتی کمک به تثبیت نرخها خواهد کرد که به سیستم نرخگذاری Pricing System متکی باشد و ایجاد چنین واحدی در داخل وزارت کشاورزی در جریان پیشرفت تولید نقش مؤثر خواهد داشت .

در شرائط فعلی از نرخ و نرخگذاری آنچه از لحاظ دستگاههای مسئول مطرح است نوعی نرخ بندی دولتی و اعمال دخالت دولت در تعیین نرخها و نظارت و کنترل قیمتها میباشد . درحالیکه لازم بیادآوری نیست در مسأله نرخ و نرخگذاری نظارت و دخالت دستگاههای اجرائی دولتی یکطرف قضیه را تشکیل میدهد و جهت دیگر تأمین نیاز و نظر طبقات مولد غیر متعهد ، خریدار ، فروشنده و بالاخره مصرف کننده است . تعیین نرخها خارج از مقدمات دولت است و ضرر نرخگذاری يك جانبه دولتی بیش از نفع آن خواهد بود . دخالتهای یکطرفه دولت در تعیین نرخ اگر توجهی بنآمین نظر طبقه مولد و عوامل خرید و مصرف نگردد ملازم بانوعی هرج و مرج خواهد داشت و مردم بهترین راه اجرای این امر را در نقص نرخها و بی توجهی به قیمتها میدانند . اگر دولت در این شرایط بخواهد اعمال زور و قدرت کند در یکحالت استثنائی عمل دولت منجر بوضعی نظیر آنچه در یکماه گذشته اتفاق افتاد یعنی هجوم ناگهانی و شبیخون به میدانها و توقیف ۸ نفر بارفروش که عملی زود گذر و سیاستی بی

اثر باید تشخیص گردد منتهی خواهد شد که طبعاً اینطرز دخالت یکراه حل منطقی برای حل مشکل گرانی قیمتها نیست. تکامل فکر و تکنولوژی جوامع رو برشد را بمرحله‌ای رسانیده که بتوانند با روش علمی بمسائل بنگرند و راه حل مشکلات را با چنین انگاره‌هایی جستجو کنند. در مورد حل مشکل نرخها استفاده از اینطرز کار عملی است ولی بحث اینستکه در تعیین نرخ و نرخگذاری دولت همیشه طرز خاصی از خود دارد که بیحاصلی آن در موارد مختلف به ثبوت رسیده است. یکموقع فکر تشکیل بازارهای روز رائج بود. موقعی پای فروشگاه فردوسی بمیان کشیده شد که از فروشگاههای فردوسی برای تثبیت و تعدیل قیمتها استفاده شود.

زمانی عنوان میشد که خریدار خودش باید چشم و گوش خود را باز و جنس را بقیمت و نرخ مقرر بخرد و اگر جنسی بیشتر از قیمت شهرداری فروخته شد طبقه خریدار بخاطر همکاری با دستگاههای تعیین کننده نرخ شهرداری موظفاً باید خرید آنرا تحریم کنند. منظور همان سیاستی است که زمان شهرداری نفیسی تعقیب میشد و شهردار وقت از بانوان خانه دار تقاضا داشت گوجه فرنگی نخرند و نخورند و اینطرز کار که اقتباس غلطی از سیستم نرخگذاری با اصطلاح Caveat Emptor است بعلت نارسائیمها و نقائصی که دارد نمیتواند بمقیاس وسیع مورد توجه قرار گیرد همانطور که دیدیم عمل نشد.

در يك اقتصاد دینامیسم و رو برشد نظیر اقتصاد ایران تغییر نرخها تا حدودی قابل توجیه بنظر میرسد. در موضوع نرخ بین سه نوع نرخ عادی، نرخ موقت و نرخ مدت دار باید تفاوت قائل بود. نرخ يك محصول وقتی عادی است که عوامل مربوط به عرضه و تقاضا در مدتی طولانی ثابت بماند و بین حجم مواد مصرفی از یکطرف و میزان تولید در جهت مخالف تعادل پایدار نسبی وجود داشته باشد. در مقابل اگر برای محصولاتی که بازار عرضه میشود از نقطه نظر تولید محدودیتهایی بود و بسط و توسعه زراعت آن مقدور نیست نرخ این نوع محصولات را «نرخ موقت» میگویند. از جهت عکس اگر ترویج و گسترش زراعتی بسهولت امکان پذیر بود عنوان نرخ این گروه از محصولات «نرخ دائمی» است بدین ترتیب دشوار است در شرایط فعلی ایران که همپای تحولات کشاورزی ضمن اجرای طرحهای عمرانی که ثمرات نیکو بیار آورده موجباتی برای افزایش حداکثر تولید و رونق مداوم اقتصاد فراهم گردیده تمام محرکهای فعالیتهای پیشرفت را طرد کرد و تثبیت نرخها را ملاک عمل قرار داد. تغییر نرخ و نوسان نرخها وقتی محیط مناسب و موجبات

لازم برای تحول و پیشرفت و رشد اقتصاد فراهم است هر قدر بظواهر زنده تأثیرات خود را آشکار میسازد و بگیرد و به بند بار فرو و شها، نمیتواند بحل این مشکل کمکی بکند.

از مجموعه آنچه گفته شد این اصل نتیجه میشود که بین عامل نرخ و نرخگذاری که تابعی از متغیر عرضه و تقاضا است و تصمیمات، سیاستها و برنامه های مربوط به تثبیت قیمتها و اینکه نمیتوان بین ایندو عامل حدهمگونی بوجود آورد مگر جانشین ساختن سیستم نرخگذاری را بجای سیستمی که قبل از اصلاحات ارضی با همه عیبهها و نواقص عمل میشد متناسب تحولاتی که در همه شئون اجتماعی کشور بوقوع پیوسته بعنوان علاج در همریختگیها بی نظامیها و آشفتگیهای که در سالهای اخیر در امر تولید و بازرگانی محصولات کشاورزی مشهود است بپذیریم. وجود سیستم نرخگذاری Pricing system سیستمی متناسب با خصایص طبیعی، مختصات روحی، خصوصیات اجتماعی کشور موجبات تولید بیشتر، مصرف صحیح تر و ثبات نسبی نرخها و تعدیل مطلوب قیمتها را تأمین خواهد کرد و اتخاذ تصمیم در اینمورد یکی از مبانی پیشرفت کشاورزی است.

سیستم نرخگذاری

نزدیک ۱۴ - ۱۳ میلیون نفر یعنی حدود $\frac{۲}{۳}$ و کمتر از جمعیت فعال کشور بنحوی در فعالیتهای کشاورزی دخالت دارند. با اجرای قوانین اصلاحات ارضی در این بخش از اقتصاد تحولات و پیشرفتهای ایجاد گردیده و در سالهای اخیر بموضوع سرمایه گذاری و استفاده از ماشین در بهره برداریهای بزرگ و در ذراعتی نظیر پنبه و چغندر قند توجه شده است. شرایط طبیعی لازم برای توسعه فعالیتهای کشاورزی و امکانات طبیعی بحد مطلوب در ایران وجود دارد. سهم تکنولوژی در کشاورزی و تولید با همه پیشرفتها و با همه امتیازات هنوز بحد اقل است و بطرز استثنائی عملکرد محصول خیلی پائین تر از میزانی است که امکان تولید آن با صرف مختصر هزینه و فعالیت عملی بنظر میرسد. پیشرفت کشاورزی و این تحول نتایج سیاستی است که در طول سه برنامه عمرانی تعقیب شده و اجرای برنامه عمرانی چهارم با روشهای فکری و عملی جدید پیشرفتهای حاصله را تکمیل خواهد کرد. این مطلب که تولیدات کشاورزی سهم مؤثر و بیشترین سهم را در اقتصاد کشور دارد مطلبی است که

اهمیت توجه باین بخش را مشخص میسازد. در تولیدات کشاورزی بخصوص در مملکتی چون ایران که از نظام اقتصادی آزاد تبعیت میکند مهمترین و اساسی ترین مسأله عاملی است که به داد و ستد و معاملات بازرگانی محصولات کشاورزی نظام میبخشد. چون در زراعت تجارتی که فرم پیشرفته‌ای از کشاورزی است تولیدکننده جنس را برای فروش در بازار تهیه میکند و هدف از تولید تأمین احتیاجات مصرفی بازار و فروش محصول است. در این نوع تولید فعالیت‌های تولیدی به «خودمصرفی» و تولید طبق احتیاجات خانوار محدود نمیشود بلکه تولید ملازمه با توقعات مصرفی بازار خواهد داشت. تنظیم معاملات بازرگانی شکی نیست بچند عامل منجمله اجرای سیستم نرخگذاری و بستگی بایجاد سازمانی برای این منظور دارد.

نرخگذاری معمولاً در دو مرحله انجام میگردد که تشکیل بازارهای منظم مرحله اول آنست. در بازارهای منظم Regulated Market وجود يك کمیته اجرائی مقتدر ضروریست و در این کمیته نمایندگان طبقات زارع، شرکتهای تعاونی روستائی، تولیدکنندگان عمده، طبقات مصرف کننده، خریدار و فروشنده و سازمانهای دولتی شرکت می کنند. کار کمیته اجرائی در سه جهت است یکی در تعیین نرخ، دیگر ایجاد تسهیلات اعتباری از نظر انجام معاملات و بالاخره خرید مستقیم توأم با نظارت در خرید و فروش اجناس. بعلاوه امور مربوط برقم بندی و استاندارد محصولات توسط گروههایی که در جنب این بازارها وجود دارد عملی و اجرا میشود. بازار منظم ممکنست روی يك محصول یا برحسب اهمیت برای همه محصولات عمده و اصلی کار کند. در آمریکا انجام این قبیل برنامه ها برعهده بورسها است. در بورس پنبه خریداران داخلی و خارجی براساس صحیح میتوانند وضع خرید و فروش و معاملات خود را همانطور که در بازارهای منظم تحت نظر کمیته های اجرائی عمل میشود منظم کرده و پنبه مورد احتیاج را از طریق انجام معاملات مدت دار و با توجه بارقام و استاندارد پنبه تأمین کنند و بورسها تسهیلات بسیار از نظر انجام معاملات پنبه برای خریدار فراهم مینمایند مثلاً يك کارخانه نساجی از قبل میتواند پنبه مورد نیاز خود را برای چند ماه بعد با کیفیتی کاملاً مشخص خریداری کند و براساس قیمت خریداری کالای اولیه سفارشات مشتریان خود را قبول نماید و با اطمینان کافی معامله کند و بدانجهت خریدها تابعی از متغیر نوسانات قیمت فصل نبوده و برموزونی و تعادل قیمت اثر قابل توجهی میگذازد

بعلاوه وجود بورس که معمولاً قیمت روز پنبه مرتباً از آن طریق اعلام میشود راهنمای خوبی در معاملات روزانه این کالا میباشد و دیگر گروه مشخصی و محدودی نمیتوانند بجهت داشتن اطلاعات کافی و وقوف از نرخهای داخلی و بین‌المللی پنبه معاملات پنبه را بخود تخصیص دهند .

همانطور که در بالا اشاره شد یکی از وظایف بازارهای منظم ایجاد تسهیلات اعتباری ، پرداخت وام به تولیدکنندگان است و کمیته های اجرایی از اینراه در بسط و توسعه تولیدات کشاورزی سهم مؤثر دارند . مشکل سلف‌خری یکی از مسائلی است که در معاملات کشاورزی عمومیت دارد . میلیونها تومان اعتبار و سرمایه بارفروشها در تهران ، شمال و جنوب و سایر مناطق عمده تولیدات کشاورزی هر ساله بمصرف سلف‌خری میرسد . طرز کار بارفروشها اینستکه عوامل اختصاصی یا محلی آنها بوسعت صیفی کاری ، تره بار یاسردختی به کشتکار و باغداروام میدهند طرفهای معامله هرزراع در تهران معلوم است و بارازسر مرزعه برای بارفروش معینی حمل میشود ، شرایط پرداخت وام به توافق بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده بستگی دارد و این امر باقول و قرار و منتهی بک قبض رسید فصله میباشد و پس از فروش محصول وام مسترد میگردد . گروهی از بارفروشها نیز هستند که سرمحصول بدنبال خرید جنس بمراکز عمده تولید میروند و سرپایکجا محصول را معامله می‌کنند . در برخی از معاملات سلف‌خرکار خود را پرداخت وام محدود کرده و بسا ربج تومانی بگریال و بیشتر و کمتر بزرگترین تحمیلات را به طبقه زارع مینماید و شرایط دریافت وام از دستگاههای اعتباری دولتی برای زارع آنقدر سنگین و مشکل است که زارع ناگزیر بدریافت وام از این سلف‌خرها خواهد بود . در داخل این گروه بندی کاربرخی از عوامل واسطه را از یک نقطه نظر شبیه طرز کار مؤسسات اعتباری باید تشخیص کرد که کارهای پرداخت وامهای تولید را بدون مقررات اداری که از مختصات دستگاههای دولتی است با سهولت و سرعت انجام میدهند بهمین دلیل میتوان بجهاتی وجود چوبدارها و بارفروشها و نظائر را بجهاتی توجیه کرد . مسأله از بین بردن عوامل واسطه که اینهمه در باره آن هیاو و جنجال میشود هسته اصلی انحرافات و تغییر نرخها نیست و بطوریکه اشاره شد محوراز بین بردن این عوامل موقعی که از نظر اعتباری سیستمی جانشین آنها بشود ضرورت دارد .

محور فعالیت بازارهای منظم برانموضوع استوار است که با در اختیار گذاردن تسهیلات اعتباری جلوی هر نوع سلف‌خری را بگیرد و مانع سودجوییهای

غیر منطقی عوامل واسطه گردد .

يك وظیفه دیگر بازارهای منظم گفتیم که تعیین نرخ است . در جریان نرخگذاری محصولات کشاورزی به دو گروه تقسیم میشوند :

۱- محصولاتى که مشمول سیاستهای حمایتی با اصطلاح Support Policy هستند. حمایت دولتی از طبقات مولد در اقتصادهای پیشرفته حاوی مقرراتی بنام سیاستهای حمایتی در مورد نرخها است. در آمریکا دولت برای غلات، فرآورده های دامی، پنبه دانه های روغنی و برخی از محصولات عمده کشاورزی که سهم فزاینده در تولیدات داشته و تولید آنها بر مصرف فزونی دارد نرخ حداقل مطلوبی تعیین میکند و خود دولت اگر در بازار فروش تقاضا برای خرید جنس نباشد همیشه خریدار محصول به این قیمت حداقل خواهد بود بعبارت دیگر دولت خرید محصول را بقیمت معینه دولتی تضمین میکند برای اینکه زارع در مقابل تحولات بازار و تغییر نرخها حمایت شود . هرگاه معاملات مربوط به غلات را در نظر بگیریم اتخاذ سیاستهای حمایتی در مورد غلات بدین ترتیب است که دولت نرخ خرید گندم را فی المثل برای یکمدهت پنج سال با توجه به مخارج زراعت، رعایت منافع کلیه کشتکاران و نرخهای داخلی و بین المللی تعیین و با بررسی کلیه این عوامل نرخ حداقل مطلوبی برای گندم تعیین میشود و این قیمت اساس معاملات قرار میگیرد . زارع با استفاده از قوانین سیاستهای حمایتی میتواند محصول خود را در بازار اگر مشتری برای خرید باشد آزادانه بفروشد و در صورتیکه قیمتها در بازار کمتر از نرخ معینه دولتی بود مخیر است که گندم را در انبار های عمومی ذخیره کند و در مقابل گندم مورد ودیعه از بانکها و دولت اعتبار بصورت وام بی بهره یا با بهره کم بگیرد تا اینکه هر موقع نرخها ترقی کرد جنس را از انبار خارج و در بهترین شرایط بفروش برساند. ضمناً ممکنست خریدار برای محصول مطلقاً در بازار نباشد هر گاه زارع تصمیم بگیرد دولت موظفاً گندم را میخرد و نتیجتاً زارع بطوریکه دیده میشود از نوسانات قیمتها آسیبی نخواهند دید . در سیاستهای حمایتی ممکنست زیان تغییر قیمتها زیاد باشد ولی ضرر تغییر قیمتها را هر قدر سنگین دولت تحمل میکند که برفاه طبقه مولد و رشد فعلیتهای تولیدی صدمه نخورد .

۲- در گروه دوم محصولاتى قرار میگیرند که با کمك و حمایت از خود بدون اینکه مشمول سیاستهای حمایتی شوند بالاچار تحمل تغییر قیمتها را باید بنمایند و وظیفه بازار های منظم در مورد این گروه از محصولات اینستکه از راه تنظیم

نرخها Perfect . Price عوامل تولید را در مجاری مشخص و برای تولیدهایی بکارندازد که نسبت بسایر محصولات از لحاظ تأمین نیازمندیهای مصرفی در داخل و بازارهای صادراتی اهمیت و بررسی نسبی دارد. واز آنجا که رقم بندی بسته بندی و استانداردیزاسیون محصولات از نظر کمی و کیفی ارزش محصول را اضافه میکند بازارهای منظم علاوه بر آنکه مرکز و مرجعی برای تعیین نرخها و ارشاد و هدایت فعالیتهای تجارتي کشاورزی است قسمتی از اقدامات این مرکز مصروف «مورید نیک» و «استانداردیزاسیون» و بسته بندی محصولات میگردد.

کمیته اجرائی بازارهای منظم در هر ناحیه برای تنظیم بازار محصولات کشاورزی و تعیین مقررات مربوط بر قابت و حداقل قیمتها تصمیماتی اتخاذ که بر حسب اهمیت خود کمیته بنتهای صلاحیت اجرای آنرا دارد و برای مسائل مهمی مانند تغییر قیمتها و فنزل نرخها کمیته به شورایی عالی که از نمایندگان کمیته های اجرائی تشکیل میشود پیشنهاد و تصمیم با شورایی است. مکانیسم دیگری که در سیستم نرخگذاری Pricing System مداخله دارد دستگاههای کنترلی است که با بررسیهای سیستماتیک از تحولات بازار و علل تغییر قیمتها بعنوان نیروهای محرک برای بازارهای منظم در داخل دستگاههای وزارت کشاورزی فعالیت می کنند و این دستگاههای مارکتینگ تمام عوامل تغییر نرخها را برای تعیین و تثبیت قیمتها مورد بررسی قرار میدهند و طرحهای تعدیل نرخها و سیاستهای مارکتینگ خود را از راه ارزیابی نتایجی که برای رشد اقتصاد ضروریست اندازه گیری می کنند. در داخل این دستگاهها واحد های بررسی مارکتینگ برای محصولات مختلف وجود دارد که راه حل مشکل تغییرات قیمتها را با توسل به بررسیهای علمی جستجو می کنند.

از مجموعه آنچه گفته شد اینطور نتیجه میگیریم که مسأله تغییر قیمتها بیش از هر چیز بستگی به عامل عرضه و تقاضا دارد و پدیده ارزانی و گرانی همراه با تغییرات کیفی و کمی از عامل مزبور تبعیت میکند. همکاری طبقات مولد و مصرف کننده خود موجب نظام اقتصادی میگردد. این مسأله که در هر جامعه در زمان معین حرکت فعالیتهای تولیدی باید در چه مسیری باشد و چه عوامل محدود کننده بر مصرف محصولات کشاورزی حکومت میکند

شناختن این حد و کوشش بر شد اقتصاد کمک مؤثر خواهد نمود . موضوع نرخ و نرخ بندی نیازمندايجاد سیستم نرخ گذاری و بازارهای منظم و از همه مهمتر اعمال سیاستهای حمایتی در مورد محصولات است که در راه رشد محتاج به کمکهای دولتی هستند . نوسان مرتب قیمت محصولات کشاورزی در سالهای اخیر و بی نظمی و هرج و مرجی که در تولید این بخش از اقتصاد دیده میشود این تغییر قیمتها و این بی نظمیها ایجاب میکند هر چه زودتر مکانیسمی برای تعیین نرخها ایجاد و یک نظام تولیدی مؤثر از هر نظر مسئولیت هدایت بازار های مصرف را منطبق با نیازمندیهای اجتماع عهده دار شود . دخالتهای دولتی برای تعدیل قیمتها اگر با رضامندی مردم همراه نباشد سیاستی اثربخش و دیرپا نخواهد بود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی